



کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی (جلد اول)

(بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)

Idioms and Phrasal Verbs

اصطلاحات و عبارات فعلی

مترجم و مؤلف:
محمدرضا یاراحمدی

سرشناسه	: یاراحمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی: (بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی = Idioms and phrasal verb / مولف و مترجم محمدرضا یاراحمدی.
مشخصات نشر	: تهران: گروه تألیفی دکتر خلیلی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص.: مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۸۰۰۰۰ ریال ۵۲-۰-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان دیگر: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.
موضوع	: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.
موضوع	: (بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی.
موضوع	: زبان انگلیسی - اصطلاح‌ها و تعبیرها -- فارسی
شناسه افزوده	: زبان انگلیسی - اصطلاح‌ها و تعبیرها - آموزش برنامه‌ای
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۲۷۰۲ / ۱۴۶۰ PE
رده بندی دیوئی	: ۴۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۱۹۱۰۴

نام کتاب: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی

ترجمه و تألیف: محمدرضا یاراحمدی

ناشر: گروه تألیفی دکتر خلیلی

نوبت و سال چاپ: اول. ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: ندای ایران

لیتوگرافی و صحافی: راد

ناظر چاپ: حمید خلیلی

مدیر فنی و هنری: علی صفاری

طراحی و صفحه آرایی: آتلیه انتشارات گروه تألیفی دکتر خلیلی

شابک: ۵۲-۰-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸

بهاء: ۳۹۰۰۰۰ تومان

Website: www.drKhaliligroup.ir

مرکز پخش: ضلع جنوب غربی میدان انقلاب- جنب سینما پارس- پاساژ پارس - طبقه اول

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۰۶۷۲۵ و ۰۲۱-۶۶۵۶۸۶۲۱

مدیر فروش: حمید خلیلی ۰۹۱۲۵۵۰۸۵۸۹

(مجموعه کتاب های IQB و ما طراحان را می توانید با هماهنگی آموزشگاه یا مدیر فروش، از طریق پست دریافت نمایید.)

فهرست مطالب

۱. معرفی اصطلاحات ۱۵
۲. ساختار عبارات (فعلی، فعل محور، فعلی دستوری) ۱۹
۳. اصطلاحات کاربردی عبارات (دستوری، همراه دو کلید واژه، همراه حرف اضافه) ۳۷
۴. اصطلاحات کاربردی (حدود تقریبی زمان، مقدار، کیفیت، زبان اعداد) ۴۳
۵. اصطلاحات کاربردی (جواب های مرسوم، عبارات روزمره، بیانات تعجیبی) ۴۷
۶. اصطلاحات کاربردی (مربوط به تحصیل) ۵۲
۷. اصطلاحات کاربردی (دانش، توانایی، طرح و برنامه، تصمیم گیری) ۶۱
۸. اصطلاحات کاربردی (آغاز و پایان شرایط مختلف) ۶۹
۹. اصطلاحات کاربردی (ارتباطات تلفنی، پیام) ۷۴
۱۰. اصطلاحات کاربردی (بیان افکار، احساسات شخصی) ۸۰
۱۱. اصطلاحات کاربردی (عادات آزار دهنده، علاقه ها، خواسته ها) ۸۷

۱۲. اصطلاحات کاربردی (فعالیت فیزیکی) ۹۳
۱۳. اصطلاحات کاربردی (مسائل خانوادگی، نسل و همسایه ها) ۹۶
۱۴. اصطلاحات کاربردی (روابط دوستانه) ۱۰۴
۱۵. اصطلاحات کاربردی (گزارش طالع بینی، جرایم، اتفاقات ورزشی، رژیم غذایی) ۱۱۰
۱۶. اصطلاحات کاربردی (مالی) ۱۲۰
۱۷. اصطلاحات کاربردی (توصیف فعالیت خارج از منزل، آب و هوا، سفر، تعطیلات) ۱۳۰
۱۸. اصطلاحات کاربردی (خسارات و تعمیرات، مشکلات و راه حل ها) ۱۳۹

مقدمه:

"The illiterate of 21st century will not be those who cannot read and write, but those who cannot learn, unlearn, and relearn."

ELVIN TOFFLER

بی سوادِ قرن بیست و یکم کسی نیست که خواندن و نوشتن بلد نباشد بلکه کسی است که توان یاد گرفتن، دست کشیدن از یاد گرفته ها و دوباره یاد گرفتن را ندارد.

زبان محاوره‌ای و معیار

زبانِ معیار در نزد اهل فن، زبانی است که فرهیختگان در گفتار و نوشتار به کار می‌گیرند. این زبان از قدمت و پختگی برخوردار است و با زبان مردمِ کوچه و بازار تفاوت دارد. اما اگر با واقع بینی به مطالعه زبان پردازیم، نمی‌توانیم منکر موجودیت زبان غیر رسمی یا به قولی کوچه بازاری بشویم، زبانی که بسیاری مردم با آن گفتار می‌کنند.

در مقاله ی "فارسی زبان عقیم؟" دکتر محمد رضا باطنی آورده است: "زایایی واژگانی از نظر زبان شناختی به مبحث اشتقاق یا واژه سازی مربوط می شود و اشتقاق یعنی این که ما بتوانیم از اسم یا صفت فعل بسازیم". برای روشن تر شدن مطلب عیناً قسمتی از مقاله دکتر باطنی را در این جا می بینیم.

۱- گفتیم در فارسی فقط فعل های ساده هستند که زایایی دارند، یعنی می توان از آنها مشتق به دست آورد. اثبات این امر بسیار ساده است. به عنوان مثال فعل "نمودن" را در نظر بگیرید. ما از این فعل مشتق های زیادی به دست می آوریم: نمود، نمودار، نموده، نمونه، نما، نمایان، نمایش، نماینده (ومشتق های دیگری نظیر: نماد، نمادین، نمادگری، نمایه، که به تازگی ساخته و رایج شده اند و نیز مشتق های درجه دومی نظیر: نمایندگی، نمایشگاه، نمایشنامه، نمایشی، که با افزودن پسوندی به مشتق های درجه اول ساخته شده اند). با این همه "نمودن" به معنایی که سعدی در این شعر به کار برده است :

دیدار می نمایی و پرهیز می کنی بازار خویش و آتش ما تیز می کنی

در گفتار و نوشتار امروزه بسیار کم به کار می رود تاجایی که می توان گفت این فعل از بین رفته یا در شرف از بین رفتن است. در زبان فارسی متداول فعل مرکب "نشان دادن" جانشین معنی متعدی آن شده و فعل های مرکب "به نظر آمدن" و "به نظر رسیدن" نیز جانشین معنی لازم آن شده اند. ولی این فعل های مرکب عقیم هستند و هیچ مشتقی از آنها به دست نمی آید. به بیان دیگر، اگر ما فعل ساده "نمودن" را از اول نداشتیم و از

همان آغاز این فعل‌های مرکب به جای آن به کار رفته بودند، امروزه هیچ یک از مشتق‌هایی که در بالا برشمردیم در فارسی وجود نداشت. به عنوان مثال دیگر می‌توان "فریفتن" و "فریب دادن" را مقایسه کرد. از "فریفتن" که مصدری ساده یا بسیط است می‌توان مشتق‌هایی به دست آورد: فریفته، فریفتگی، فریب، فریبا، فریبایی، فرینده، فریندگی. ولی از "فریب دادن" که مصدری مرکب است مشتقی به دست نمی‌آید. "فریفتن" در گذشته به صورت لازم و متعدی هر دو به کار می‌رفته است. ولی امروزه معنی لازم خود را بکلی از دست داده است و در معنی متعدی نیز کاربرد زیادی ندارد. بسامد یا فراوانی کاربرد "فریب دادن" از "فریفتن" بسیار بیشتر است، و اگر روند تبدیل فعل‌های ساده به مرکب همچنان ادامه یابد در آینده جانشین بلامنازع "فریفتن" خواهد شد.

۲- در فارسی امروز دیگر فعل ساده ساخته نمی‌شود، یعنی به طور عادی نمی‌توان از اسم یا صفت فعل ساخت. زبان فارسی به ساختن فعل‌های مرکب گرایش دارد و برای مفاهیم تازه نیز از همین الگو استفاده می‌کند. ذکر چند مثال موضوع را روشن خواهد ساخت. در انگلیسی از television فعل televise و در فرانسه فعل televise را ساخته‌اند. در عربی هم از آن فعل می‌سازند و می‌گویند تلفز، یتلفز. اما ما در فارسی می‌گوییم "از تلویزیونپخش کرد." در انگلیسی واژه telephone را به صورت فعل هم به کار می‌برند. در فرانسه نیز از آن فعل telephone را ساخته‌اند. در عربی هم از آن فعل می‌سازند و می‌گویند تلفن، یتلفن. اما ما در فارسی از فعل مرکب "تلفن کردن" استفاده

می‌کنیم. در انگلیسی از واژه philosophy فلسفه "فعل philosophize و در فرانسه از philosophie فعل philosopher را ساخته‌اند.

در عربی هم از فلسفه فعل می‌سازند و می‌گویند تفلسف، یتفلسف. اما ما در فارسی اگر مورد قبول واقع شود، می‌گوییم "فلسفه پرداختن" یا "به فلسفه پرداختن".^۱

امروزه مخصوصاً بین جوانان عبارت "بهت می‌زنم" جای "با شما تماس تلفنی می‌گیرم" یا "بهت زنگ می‌زنم" را گرفته است. به نظر بسیاری از زبان‌شناسان این نوع گفتار، به ساختار زبان پارسی لطمه می‌زند. اما نمی‌توان انکار کرد که این نوع گفتار، متکلمین یا گویش‌ورانِ خاص خود را دارد. البته پیشرفت تکنولوژی و متعاقب آن سرعت ارتباطات به گسترش این امر کمک می‌کند. ضیق وقت هم انسان‌ها را وادار به موجز گویی کرده و خواه ناخواه این نوع گویش در بین مردم رواج پیدا می‌کند.

شکل (form)

ما برای بیان اندیشه‌ها و احساس‌مان به قالبی نیازمندیم تا در آن قالب کلمات مورد نیاز را ریخته و شکل دهیم. این قالب می‌تواند گزارشی، نمایشی، ادبی و ... باشد. بیان ما همیشه با احساساتمان می‌آمیزد و بر گفتارمان لحنی اضافه می‌کند. این لحن ممکن است

۱. محمد رضا باطنی. "فارسی زبان عقیم؟"

جدی، ترسناک، ملایم، تند، طنز آلود و ... باشد. پس از آن با توجه به موقعیتی که در آن هستیم ناچار به استفاده از نوعی زبان می‌شویم که شاید در موقعیت دیگر آن نوع زبان کارایی نداشته باشد. مثلاً در ادارات یک نوع زبان استفاده می‌شود که در صف نانوائی اگر استفاده شود موجبات خنده اطرافیان را فراهم می‌آورد. پس در موقعیت‌های متفاوت از ظرفیت‌های گوناگون زبان استفاده می‌کنیم و گاهی هم مجبور به استفاده از زبان نوشتاری می‌شویم. انواع قابلیت زبان می‌تواند به‌صورت اداری، علمی، محاوره‌ای و یا زبان رسمی باشد.

سبک و سیاق (register and style)

سبک، کاربرد زبان با توجه به توانایی و شناخت گویش‌ور از موقعیت‌های خاص اجتماعی است. یعنی اینکه گویش‌ور بداند در موقعیت‌های مختلف باید از چه نوع ظرفیت زبان استفاده کند. اما سیاق، ساختار زبان در شغل‌های متفاوت است. مثلاً زبان روزنامه‌ای با زبان مردم عادی فرق می‌کند و یا سیاق علمی صراحت خاص خود را دارد. در کارهای ادبی می‌توان از واژگان خاص یا صناعات ادبی استفاده کرد ولی در گزارش‌های علمی که اغلب انتقال مطلب، هدف اصلی محسوب می‌شود اجازه استفاده از فنون بیان مثلاً تشبیه، استعاره و ... را نداریم. تا آنجا که در نوشتار علمی حتی پاورق

نویسی هم که ضرورت یک متن به حساب می‌آید باعث حواس پرتی خواننده می‌شود و باید نقل قول‌ها و توضیحات را در پرانتز و بلافاصله جلو مطالب آورد.

در زبان محاوره‌ای که اساساً با زبان نوشتاری متفاوت است، اغلب elision یا حذف صورت می‌گیرد. البته در زبان رسمی هم حذف داریم که بعضی کاملاً مشهود و برخی خیلی آشکار نیستند. مثلاً اگر بنویسیم "بسدِ پسدی"، خواندن آن راحت نیست. در صورتی که خواندن همین دو کلمه بصورت "بسته پستی" برای کسی مشکل ایجاد نمی‌کند، همچنین تلفظ "داسدان" برای واژه "داستان" و "ماسد" بجای "ماست". صورت گفتاری این کلمات است که گرچه به کرات بر زبان جاری می‌شوند، در نوشتن نامانوس به نظر می‌رسند. دلیل آن است که حرف "ت" در آخر کلمات در هیچ زبانی در دنیا به طور کامل تلفظ نمی‌شود. البته این مبحثی زبان‌شناسی است که توضیح بیشتر آن در این مقال نمی‌گنجد. از نظر زبان‌شناسان اهمیت زبان گفتاری به مراتب بیشتر از زبان نوشتاری است و این به خاطر فراوانی افرادی است که از آن استفاده می‌کنند و در نتیجه بدان اعتبار می‌بخشند. در کشور ما اخبار روز به زبان رسمی اما به حالت گفتاری بیان می‌شود. البته اگر زبان معیار حالت محاوره‌ای به خود بگیرد، باز با زبان عامیانه فرق می‌کند. در زبان عامیانه به "قفل"، "قلف" و به "سطل"، "سلط" می‌گویند و بطور کلی زبان افراد بی سواد و کم سواد است. ولی زبان محاوره‌ای که رنگ و بوی زبان معیار در آن پر رنگ باشد، نزد اهل فن، زبانی پذیرفتنی است. کما اینکه در مجامع فرهنگی کشورمان این نوع زبان رواج دارد. مقوله استفاده از زبان محاوره‌ای در کنار زبان رسمی

در ایران از قدمت و سابقه‌ای قدیمی برخوردار است. این هم جواری اغلب موجب غنی تر شدن زبان پارسی شده است. برای مثال می‌توان از اشعار ساختارشکنانه مولوی یاد کرد. تغییراتی که گاه گاه در زبان پارسی به خاطر مجاورت با زبان عامه مردم و زبان محاوره‌ای آن‌ها ایجاد گردیده، انکار ناپذیر است. زبان پارسی در تعامل رو در روی افراد، بسیار بهتر به ارتباط گوینده و مخاطب - که هدف اصلی است - می‌انجامد. گویش‌ها یا اصطلاحات، راحت تر از زبان معیار و رسمی اندیشه‌های ما را بیان می‌کنند. معمولاً اصطلاحات، تصاویر ذهنی برای ما فراهم می‌کنند که همه چیز را آسان تر توضیح می‌دهند. مثلاً اصطلاح "چرب و چیلی"، بار معنایی و تصویری بالایی دارد که عبارت "بسیار چرب" - که همان مفهوم را دارد - نمی‌تواند آن بار معنایی را منتقل کند. طرفداران استفاده از زبان محاوره‌ای می‌گویند، صمیمیت در گفتار گوینده هنگامی که با زبان محاوره‌ای ارتباط برقرار می‌کند بیشتر است و زبان گفتاری باید حتماً با زبان نوشتاری و مطبوعاتی تفاوت داشته باشد. اما مخالفان تاکید می‌کنند که برای مثال مجریان تلویزیون باید برای عامه مردم الگوی زبان معیار باشند و اگر سخیفانه سخن برانند این الگو به نمونه‌ای بد تبدیل می‌شود و در کل بدآموزی دارد. به هر حال نمی‌توان منکر وجود زبان محاوره‌ای با بار معنایی قوی و ارتباط گرم و صمیمی که برقرار می‌کند شد.

تقدیم به خانواده و استادانم

با تشکر از خانم زهره چگنی که موجودیت این کتاب مدیون زحمات اوست.

اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنِيْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْهَوَاهِمِ
وَ اَكْرِمْنِيْ بِنُورِ الْفَهْمِ
اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ
وَ اَنْشُرْ عَلَيْنَا خُزَايْنِ عُلُوْمِكَ
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

پروردگارا، خارج کن مرا از تاریکی های فکر و گرامی بدار به نور فهم
پروردگارا، بگشای بر ما درهای رحمتت را و بگستران گنج های دانشت را
به امید رحمت توای مهربان ترین مهربانان

معرفی اصطلاحات

پیش از مطالعه و آشنایی با معنا و مفهوم اصطلاحات، باید بدانید هدف این کتاب تحلیل معانی اصطلاحات انگلیسی است. باید در نظر گرفت آنچه در این زبان به عنوان اصطلاح معرفی می‌شود، ممکن است در زبان پارسی یکی از ساختارهای معمولی زبان محاوره آن محسوب شود. از طرفی آنچه فرهنگ اصطلاحات محاوره‌ی یک پارسی زبان را می‌سازد، ممکن است در زبان انگلیسی جایگاهی نداشته باشد و یا اصطلاح محسوب نشود. اما تلاش مترجمان همیشه بر آن هستند که زبان‌ها را به هم نزدیک کنند تا پیش از آنکه ترجمه و معادل سازی بیانگر تفاوت‌ها شود، نمایانگر شباهت‌ها باشد. باید در نظر گرفت اگرچه از فرم نوشتاری برای ذکر این اصطلاحات استفاده شده است، اما این کتاب بر آن است تا شباهت ساختارهای محاوره‌ای زبان پارسی را با اصطلاحات انگلیسی نشان دهد، لذا ناگزیر از اعمال بعضی تغییرات بوده ایم. مثلاً به جای آنکه بنویسیم "سر و سامان" فرم محاوره‌ای آن را نوشتیم، یعنی "سر و سامون" و نمونه‌هایی از این قبیل. یا در اکثر جمله‌ها "را" که نشانه مفعولی است، حذف شده است تا شکل محاوره بیشتر خود را نشان دهد.

اصطلاح چیست؟

اصطلاح عبارتیست که نمی‌توان معنای آن را با ترجمه لغت به لغت متوجه شد. ولی همیشه فهم معنای اصطلاحات سخت نیست. بسیاری از اصطلاحات شکل و ساختار تغییر ناپذیری دارند، این نکته به خاطر سپاری آنها را آسان می‌کند.

اصطلاح:

۱. عبارتی است که معنای آن را از کلمات تشکیل دهنده اش نمی‌توان حدس زد.
۲. معمولاً ساختار ثابتی دارند.
۳. در زبان انگلیسی زیاد استفاده می‌شوند و بسیاری از آنها محاوره‌ای هستند.

چه نوع اصطلاحات و عبارات فعلی را یاد می‌گیریم؟

زبان آموزان بیشتر به دنبال یادگیری اصطلاحات و عباراتی هستند که عجیب و غریب و نا آشنا باشند، یادگیری این نمونه از اصطلاحات لطف دیگری دارد. علاوه بر این نکته، باید در نظر داشت هزاران اصطلاح آسان، قابل فهم و کاربردی تر وجود دارند که یادگیری آنها بسیار سودمند و کاربردی تر است. بعضی از این اصطلاحات آن قدر در زبان انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرند که توجهی به آنها نمی‌شود. اما ترجمه آنها به زبان مادری نیاز به معادل سازی خاصی دارد. بسیاری از فرهنگ‌ها در ارتباط با عباراتی که می‌توانند در حیطه اصطلاحات قرار بگیرند اختلاف نظر دارند. در زیر منابعی که برای شناسایی اصطلاحات این کتاب ذکر شده است.

DICTIONARY OXFORD ADVANCED LEARNER'S
 OXFORD WORD POWER DICTIONARY
 OXFORD IDIOM DICTIONARY FOR LEARNER'S OF ENGLISH

انواع اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی

۱. اصطلاح فعل محور
۲. عبارات دارای حرف اضافه
۳. عبارات فعلی ساختار ثابت (که دو کلید واژه دارند و معمولاً با **or** یا **and** به هم می‌پیوندند)
۴. ضرب المثل ها
۵. عبارات اسمی
۶. عبارات محاوره‌ای

معنی	مثال	انواع اصطلاحات
استفاده بهینه از چیزی کردن	take advantage of	اصطلاح فعل محور
چیزی را با خنده و شوخی رد کردن	laugh sth off	عبارات فعلی اصطلاحی
در آن صورت	in that case	عبارات همراه حرف اضافه
دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است	better late than never	ضرب المثل ها
صبح کله سحر	bright and early	عبارت ثابت با دو کلید واژه به همراه and و or
مثل آب خوردن	a piece of cake	عبارت اسمی
من چه می‌دونم	don't ask me	عبارات محاوره ای

مثال‌های زیر نمونه‌ای از اصطلاحات مذکور را نشان می‌دهد :

1. We left camp **bright and early** to **take the advantage of** good weather.
2. Well, **in that case**, we should give Tim a ring.
3. It's **a piece of cake**.
4. Ah, well, **better late than never**, eh!
5. I tried to **laugh it off**.
6. "**Don't ask me**" he said.

اصطلاحات زبان انگلیسی و فرهنگ واژه ها

جای اصطلاحات در فرهنگ کجاست؟

اصطلاحات مکان خاصی در فرهنگ ندارند. برای پیدا کردن اصطلاحات باید به مقدمه هر فرهنگ

مراجعه کرد. اگر بیش از یک اصطلاح برای یک کلید واژه وجود داشته باشد آنها به ترتیب حروف الفبا

در زیر آن کلید واژه، می‌آیند.

چگونه اصطلاحات را جستجو می‌کنیم؟

در Oxford Advanced Learner's این اصطلاحات یافت می‌شود و قانون خاص و ثابتی برای یافتن

اصطلاحات وجود ندارد، اما بهتر است بدانید که برای این اصطلاحات در فرهنگ مذکور **reference**–

cross وجود دارد.

با کمک فرهنگ:

- می‌توان معنای اصطلاحات و مثال برای آن‌ها را پیدا کرد.
- می‌توان دریافت کدام اصطلاح در زبان رسمی و کدام در زبان غیر رسمی استفاده می‌شود.
- می‌توان قسمت تغییر پذیر اصطلاحات را شناخت و تغییرات لازم را بر آن‌ها اعمال کرد.

ساختار عبارات

(فعلی، فعل محور، فعلی دستوری)

از آنجا که مطالعه قسمتی از مقاله "فارسی زبان عقیم؟" برای درک بیشتر ساختارهای عبارات فعلی واجب است، لذا این بخش از مقدمه را که ممکن است توسط خواننده عزیز در ابتدای کتاب مطالعه نشده باشد، عیناً در اینجا ذکر کردیم.

"زایایی و واژگانی از نظر زبان شناختی به مبحث اشتقاق یا واژه سازی مربوط می‌شود و اشتقاق یعنی این که ما بتوانیم از اسم یا صفت فعل بسازیم."

۱- گفتیم در فارسی فقط فعل‌های ساده هستند که زایایی دارند، یعنی می‌توان از آنها مشتق به دست آورد. اثبات این امر بسیار ساده است. به عنوان مثال فعل "نمودن" را در نظر بگیرید. ما از این فعل مشتق‌های زیادی به دست می‌آوریم: نمود، نمودار، نموده، نمونه، نما، نمایان، نمایش، نماینده (و مشتق‌های دیگری نظیر: نماد، نمادین، نمادگری، نمایه، که به تازگی ساخته و رایج شده‌اند و نیز مشتق‌های درجه دومی نظیر: نمایندگی، نمایشگاه، نمایشنامه، نمایشی، که با افزودن پسوندی به مشتق‌های درجه اول ساخته شده‌اند). با این همه "نمودن" به معنایی که سعدی در این شعر به کار برده است:

دیدار می‌نمایی و پرهیز می‌کنی بازار خویش و آتش ما نیز می‌کنی.

در گفتار و نوشتار امروزه بسیار کم به کار می‌رود تاجایی که می‌توان گفت این فعل از بین رفته یا در شرف از بین رفتن است. در زبان فارسی متداول فعل مرکب "نشان دادن" جانشین معنی متعدی آن شده و فعل‌های مرکب "به نظر آمدن" و "به نظر رسیدن" نیز جانشین معنی لازم آن شده‌اند. ولی این فعل‌های مرکب عقیم هستند و هیچ مشتقی از آنها به دست نمی‌آید. به بیان دیگر، اگر ما فعل ساده "نمودن" را از اول نداشتیم و از همان آغاز این فعل‌های مرکب به جای آن به کار رفته بودند، امروزه هیچ یک از مشتق‌هایی که در بالا برشمردیم در فارسی وجود نداشت. به عنوان مثال دیگر می‌توان "فریفتن" و "فریب دادن" را مقایسه کرد. از "فریفتن" که مصدری ساده یا بسیط است می‌توان مشتق‌هایی به دست آورد: فریفته، فریفتگی، فریب، فریبا، فریبایی، فریبنده، فریبندگی. ولی از "فریب دادن" که مصدری مرکب است مشتقی به دست نمی‌آید. "فریفتن" در گذشته به صورت لازم و متعدی هر دو به کار می‌رفته است. ولی امروزه معنی لازم خود را بکلی از دست داده است و در معنی متعدی نیز کاربرد زیادی ندارد. بسامد یا فراوانی کاربرد "فریب دادن" از "فریفتن" بسیار بیشتر است، و اگر روند تبدیل فعل‌های ساده به مرکب همچنان ادامه یابد در آینده جانشین بلامنازع "فریفتن" خواهد شد.

۲- در فارسی امروز دیگر فعل ساده ساخته نمی‌شود، یعنی به طور عادی نمی‌توان از اسم یا صفت فعل ساخت. زبان فارسی به ساختن فعل‌های مرکب گرایش دارد و برای مفاهیم تازه نیز از همین الگو استفاده می‌کند. ذکر چند مثال موضوع را روشن خواهد ساخت. در انگلیسی از television فعل televise و در فرانسه فعل televise را ساخته‌اند.